

کارگردان آموزشی

مقدمه

در یادداشت شماره قبل به بیان دو مسئله در کلاس‌های مرسوم پرداختیم: آمادگی نداشتن برخی از دانش‌آموزان هنگام تدریس معلم و پرهیز ایشان از درخواست بازتکرار آن به دلیل خجالت یا هراس؛ حجم زیاد محتوای درسی نسبت به زمان محدود کلاس.

روش یادگیری معکوس را برای رفع آن‌ها بیان و مراحل سه‌گانه اجرای آن را معرفی کردیم. در این شماره نیز، ضمن بیان مسئله‌ای دیگر و رفع آن با روش یادگیری معکوس، تجربه‌های نگارنده و برخی دیگر از معلمان را در مورد مرحله نخست اجرای کلاس معکوس که تهیه محتوا با تکیه بر فیلم آموزشی است، تبیین خواهیم کرد.

مسئله چیست؟

در روش سنتی، معلمان به‌صورت مستقیم و در زمان محدود کلاس و غالباً بدون قابلیت تکرار و توجه به شرایط یادگیری فردی دانش‌آموزان، محتوای درسی را با استفاده از مطالب چاپی و از طریق سخنرانی ارائه می‌کنند، طوری که ارتباط معلم و فراگیرنده با هدف ارائه مطالب آموزشی به‌صورت یک‌طرفه است و دانش‌آموز در کشف حقایق نقش فعالی ندارد و یادگیری به‌صورت سطحی اتفاق می‌افتد. معلم غالباً به‌تنهایی بیش از نصف وقت کلاس را صرف صحبت با دانش‌آموزان می‌کند. در این روش، دانش‌آموزان بدون کسب آمادگی در کلاس حاضر می‌شوند و به مطالب آموزشی گوش می‌دهند. در نتیجه مطالب حفظی و تکمیل وظایف درسی در اولویت قرار می‌گیرند.

این در حالی است که بسیاری از معلمان از فضای غیرفعال و شرایط خشک و غیرواقعی کلاس خود ناراضی‌اند و به دنبال روشی هستند که بتواند انگیزه کافی برای کسب دانش و انجام فعالیت آموزشی را در دانش‌آموزان ایجاد کند. به عبارت دیگر، ارائه راه‌حل‌ها و مطالب آماده معلم و صرف نکردن زمان کافی برای شناسایی نقاط ضعف و راهنمایی دقیق دانش‌آموزان، باعث شده است انگیزه کافی برای کنکاش و کنجکاوی در دانش‌آموزان ایجاد نشود. از این رو، ایشان به دنبال درک عمیقی از مفاهیم و دانش نیستند و از محتوای درسی شناخت کافی پیدا نمی‌کنند. در صورتی که وظیفه

معلم تنها انتقال مطالب درسی نیست. او باید موقعیتی مطلوب، به شکل فردی و گروهی، و سرشار از شور و نشاط برای یادگیری فراهم آورد.

راه‌حل: روش معکوس!

برای رفع عوارض ذکر شده، یکی از روش‌های نوین در فرایند یاددهی-یادگیری که امروزه در برخی از کشورهای پیشرو در تعلیم و تربیت به‌کار گرفته می‌شود، روش معکوس است. در روش معکوس یا کلاس معکوس، مکان آموزش و تمرین درسی جابه‌جا می‌شود. همچنین، فضای آموزشی از یادگیری یک‌سویه به فضای یادگیری فردی یا تعاملی تغییر می‌یابد. در این روش، محتوای آموزشی از جمله فایل ویدیویی، قبل از شروع درس در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را قادر می‌سازد قبل از کلاس درس، آمادگی بهتری برای یادگیری کسب کنند. البته این امکان نیز وجود دارد که یادگیرنده از راه‌های دیگر به سایر منابع نیز دسترسی داشته باشد.

در این حال، کلاس مکانی برای گفت‌وگو درباره دانسته‌ها و دانش کسب شده با استفاده از منابع در دسترس است. رفع اشکال، پرسش و پاسخ و

حل تمرین از جمله فعالیت‌هایی هستند که در کلاس درس رخ می‌دهند؛ فعالیت‌هایی که قرار است در خانه اتفاق بیفتند، جایگزین تدریس در کلاس می‌شوند. از این رو به این روش «معکوس» می‌گویند.

تجربه‌های زیسته معلمان در مورد فیلم آموزشی

نگارنده در مورد اولین مرحله اجرای کلاس معکوس که تهیه محتوای آموزشی با تکیه بر فیلم آموزشی است و در شماره گذشته شرح آن آمد، در مطالعه‌ای پدیدارشناختی از تجربه‌های زیسته خود و برخی دیگر از معلمان در تدریس به روش معکوس به نکاتی پی برد. در این نکات، موضوعاتی چون فیلم معلم‌ساخته، کیفیت فیلم، فیلم‌های تعاملی، محدوده و محدودیت‌های فیلم و بالاخره اطمینان از دسترسی دانش‌آموزان به فیلم وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نخست آنکه تمام معلمان ترجیح می‌دادند فیلمی را که خودشان ساخته‌اند در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. برخی با نقل ذیل، به این دلیل که هم صدا و تصویر معلم برای بچه‌ها جذاب‌تر است و هم به این ترتیب تضاد یا تفاوت در برداشت و درک مفاهیم از سوی ایشان ایجاد نمی‌شود.

اعتقاد این بود که وقتی دانش‌آموزان چهره‌ها را در فیلم می‌بینند، همانجا یک ارتباط هم با معلم می‌گیرند؛ آن ارتباط به نظرم ارتباط مثبتی است. دوم اینکه مثلاً شاید در فیلم معلم دیگر، روش تدریس او با من فرق داشته باشد؛ در آن فیلم یک جور بگوید و من چیز دیگر بگویم.

البته ایشان نفی نکردند که در صورت استفاده یا در اختیار قرار دادن فیلم‌های دیگر معلمان، این شانس برای برخی ایجاد می‌شود که شاید مطالب را بهتر دریافت کنند و یا قدر معلم خود را بهتر بدانند. این بیم هم در معلمان دیده می‌شد که شاید در نقطه مقابل، مورد مقایسه قرار بگیرند.

با این حال، برخی از ایشان نیز دیدن فیلم معلم‌ساخته را موجب قدردانی و همراهی بیشتر دانش‌آموزان قلمداد می‌کردند.

در مورد کیفیت فیلم نیز نکات و تجربه‌های جالبی شناسایی شدند. برای مثال، فرصت تلفیق انیمیشن، تصویر و نرم‌افزارهای آموزشی (از جمله جئوجبرا^۱ یا فیلم‌های کوتاه و از جمله آزمایش‌ها) با توضیحات معلم، از نکات برجسته‌ای هستند که بهره‌مندی و یادگیری بیشتر را به دنبال دارند. این در حالی است که همه معلمان از طولانی بودن فیلم به عنوان مانعی برای همراهی بهتر دانش‌آموزان یاد کردند و در این باره به ترفند مشاهده فیلم با دور سریع یا جلو زدن آن برای زودتر رسیدن به انتهای فیلم اشاره کردند. آن‌ها غالباً به فیلم‌های حدود پانزده دقیقه‌ای اشاره می‌کردند. یکی از ایشان نیز به قانون نانوشته محاسبه زمان تقریبی فیلم براساس حاصل پایه تحصیلی ضرب در یک‌ونیم دقیقه اشاره کرد.

همچنین، معلمانی که مبتنی بر مطالب کتاب تدریس می‌کردند، از تصویر صفحات کتاب برای زمینه‌نمایش بهره می‌بردند تا همراهی دانش‌آموزان را با کتاب درسی خود در صفحات نظیر داشته باشد. این در حالی است که گاه برخی از ایشان به مطالب تکمیلی خارج از کتاب هم اشاره می‌کردند و در عین حال زمینه صفحه نمایش را تغییر می‌دادند. علاوه بر این، یکی از معلمان ریاضی اظهار کرد در فیلم، برای ایجاد فضای تعامل، انجام فعالیت یا کار در کلاس کتاب درسی را با مکتبی کوتاه به عهده دانش‌آموزان می‌گذاشت. لیکن بعداً همین کار را با کیفیتی شایسته‌تر و جذاب‌تر، مطابق اظهار ذیل، دنبال کرد:

خیلی ریزه‌کاری‌ها وجود دارد؛ مثلاً وقتی بچه‌ها می‌خواستند تمرین حل کنند، اوایل در فیلم می‌گفتم: خب بچه‌ها! تمرین را حل کنید. بعد از دو ثانیه مکت، شروع می‌کردم به حل کردن. دیدم هیچ وقفه‌ای نیست و دانش‌آموز می‌گوید: خب معلم دارد حل می‌کند. ولی در فیلم‌های بعدی، وقفه‌ای ۲۰ تا ۳۰ ثانیه‌ای

گذاشتم و آن را با یک عکس طبیعت و یک آهنگ ملایم همراه کردم. خواستم فضا هم عوض شود و نفس تازه‌کردنی هم باشد. بعضی اوقات یک عکس خنده‌دار می‌گذاشتم یا به‌عنوان زنگ تفریح، یک کلیپ شاد هم اضافه می‌کردم.

گفتنی است، برای اینکه دانش‌آموزان نحوه استفاده درست از فیلم آموزشی را بدین شکل فرا بگیرند، نخستین فیلم آموزشی در کلاس درس پخش می‌شد و معلم آموزش‌ها و تمرین‌هایی در این خصوص می‌داد.

برخی از معلمان به لزوم وضوح و انرژی صدا، همچنین بی‌تکلف بودن کلام در کنار کیفیت نور اشاره می‌کردند. همچنین، ساخت فیلم با استفاده از وب‌کم رایانه کیفی (لپ‌تاپ) را به جای فیلم‌برداری از معلم، هنگامی که در پای تخته و گاه پشت به دوربین تدریس کند، در نظر داشتند. با این وصف، به‌منظور پرهیز از رخوت و یکنواختی و ایجاد تنوع، برخی از معلمان ترجیح می‌دادند بعضی موضوعات تکمیلی را در قالب فیلم ارائه نکنند و به شکل حضوری و تدریس زنده منتقل کنند. این کار همچنین رضایتمندی بچه‌ها و مقبولیت و اعتمادسازی معلم را اضافه می‌کند:

اتفاقاً فکر می‌کنم لازم است بعضی مسائل را خود دانش‌آموز رو در رو از معلم بگیرد تا نوعی حس اعتمادسازی بیشتر نسبت به معلم پدیدار شود. مثلاً یک مجموعه مباحث را بگذاریم برای کلاس درس تا دانش‌آموز تشنه آن مبحث شود. یعنی به یک سؤال بر بخورد و ببیند با چیزهایی که خوانده است نمی‌تواند آن را حل کند. سپس معلم وارد عمل شود.

معلمان همچنین از منابع چندگانه‌ای همچون فلش، شبکه اجتماعی، وبگاه مدرسه یا با بارگذاری در وبگاه آپارات، فیلم‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادند تا از دسترسی ایشان اطمینان پیدا کنند. با این وصف، اگر کسی باز هم منع مشاهده یا دسترسی داشت، شرایط نگاه کردن فیلم در مدرسه برایش مهیا می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

1. phenomenological study
2. GeoGebra